

بسمه تعالی

رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی

حامد قدوسی

کارشناس ارشد مدیریت (MBA) از دانشگاه صنعتی شریف

محقق و مشاور مستقل مدیریت و مسائل اجتماعی

www.ghodusi.com

1) مقدمه : موافقان و مخالفان سرمایه اجتماعی در اقتصاد

کتاب رابرت پوتنام با عنوان "Making Democracy Work" توجه محققان را به اثرات سرمایه اجتماعی در توسعه جوامع جلب نمود.

هر چند سرمایه اجتماعی در ادبیات جامعه‌شناسی به موضوعی فراگیر تبدیل شده است، ولی در حوزه اقتصاد توجه کم‌تری به آن صورت گرفته است. در مقاله سعی داریم با مرور منابع در دسترس نتایجی را که محققان حوزه اقتصاد در رابطه با تاثیرات اقتصادی سرمایه اجتماعی به دست آورده‌اند بررسی نماییم.

در ادبیات اقتصادی، رویکردهای موجود به تاثیرات اقتصادی سرمایه اجتماعی را می‌توان در دو گروه تقسیم‌بندی نمود :

1) رویکردهای کلان نهادگرا که عمدتاً بر تحقیقات بین‌کشوری استوار بوده است. هر چند در تحقیقات از این نوع ممکن است از اصطلاح سرمایه اجتماعی به طور مشخص استفاده نشده و کلماتی مثل انسجام اجتماعی (Social Cohesion)، قابلیت‌های اجتماعی (Social Capabilities) و زیرساخت‌های اجتماعی (Social Infrastructures) به کار رود.

2) رویکردهای خرد که تاثیرات سرمایه اجتماعی را در عملکرد بنگاه‌ها بررسی نموده است. در این رویکرد عمدتاً بر نقش سرمایه اجتماعی در ساختن شبکه‌های حمایتی مورد نیاز کارآفرینان و بنگاه‌ها که عامل مهمی در دستیابی به سرمایه، بازار مصرف و همکاری‌های بین‌بنگاهی است، تاکید می‌شود.

هال و جونز (Hall&Jones, 1999) در مقاله خود با عنوان " چرا عملکرد اقتصادی کشورهای مختلف تفاوت دارد" به تاثیرات ساختارهای اجتماعی بر بهره‌وری عوامل تولید پرداخته‌اند. هرچند این دو به طور صریح از عبارت سرمایه اجتماعی استفاده نکرده و به جای آن عبارت ساختارهای اجتماعی (Social Structures) را به کار گرفته‌اند ولی متغیرهایی که در تحقیق آن‌ها بررسی شده

است. نزدیکی کافی با مفاهیم رایج برای سرمایه اجتماعی دارد. نارایان و پریچت در سال 1996 تحقیقاتی در روستاهای تانزانیا انجام داده و به این نتیجه رسیدند که در روستاهایی که شاخص عضویت انجمنی بیشتر است، درآمد سرانه روستاییان نیز در سطح بالاتری قرار دارد. پوتان و هلیول در سال 1995 نشان دادند که در مناطقی از ایتالیا که اجتماعات مدنی توسعه یافته‌تر بودند نرخ رشد اقتصادی بین دهه 1950 تا 1990 بالاتر بوده است. شاخص‌های مورد استفاده آن‌ها برای سنجش سطح توسعه یافتگی اجتماعات مدنی عبارت بود از میزان مطالعه روزنامه‌ها، عضویت در باشگاه‌های ورزشی و شرکت در انتخابات.

البته موضوع تاثیر سرمایه اجتماعی بر عملکرد اقتصاد، منتقدان جدی نیز دارد. سولو استاد دانشگاه MIT و برنده جایزه نوبل که از صاحب‌نظران حوزه رشد اقتصادی است و مدلی نیز به نام وی در اقتصاد رشد وجود دارد، بیان می‌کند که "اگر سرمایه اجتماعی بیش از یک حرف توخالی (Buzzword) باشد، باید اثرات آن در رشد اقتصادی حداقل به صورت تقریبی قابل سنجش باشد، حال آن‌که چنین نیست."

گروه دیگری از منتقدان اعتقاد دارند که هرچند بین سطح سرمایه اجتماعی و رفاه اقتصادی جوامع رابطه آماری به چشم می‌خورد ولی اطمینان کافی در مورد جهت علیت در این رابطه وجود ندارد. یعنی ممکن است جوامع دارای رشد اقتصادی بهتر، به دلیل بهره‌مندی بیشتر یا سایر عوامل سطح بالاتری از سرمایه اجتماعی را به دست آورده‌اند و نه این که سرمایه اجتماعی باعث رشد اقتصادی بیشتر آن‌ها شده باشد.

2- سرمایه اجتماعی و سایر انواع سرمایه

سرمایه به هر نوع دارایی که قابلیت تولید ایجاد می‌کند اطلاق می‌گردد. بر اساس رابطه $Y=AF(K,L)$ ، تولید (Y) تابعی از سه عامل سرمایه (K)، نیروی انسانی (L) و تکنولوژی (A) است و سرمایه یکی از سه رکن اصلی تابع تولید به شمار می‌آید. در این تابع ضریب A که به عنوان ضریب پسماند سولو نیز خوانده می‌شود مجموعه‌ای از عوامل موثر بر بهره‌وری استفاده از سرمایه و نیروی کار را در بردارد.

در ادبیات توسعه اقتصادی، چهار دیدگاه اصلی مربوط به انباشت سرمایه وجود دارد که بر اساس تقدم تاریخی شامل سرمایه مادی، سرمایه انسانی، سرمایه دانش و سرمایه اجتماعی می‌شود.

1- سرمایه مادی (Physical): زمین، ابزارها، ماشین‌آلات و سایر تجهیزات فیزیکی که قابلیت تولید دارند.

2- سرمایه انسانی (Human): شامل مهارت، دانش و آموزش‌هایی که در درون انسان‌ها متبلور شده است.

3- سرمایه دانشی (Knowledge): شیوه استفاده بهینه از منابع موجود در جامعه

4- سرمایه اجتماعی: شبکه‌های اجتماعی که برای جامعه قدرت کارکرد اثربخش (Effective) ایجاد می‌کند.

در این سیر تکاملی این چهار نوع سرمایه به عنوان مکمل یکدیگر مطرح شده‌اند و مشخص است که فقدان هر یک از آن‌ها می‌تواند در سرعت توسعه کشورها خلل ایجاد نماید. تعریف سه نوع سرمایه قبلی نسبتاً روشن است. لذا برای ارائه تعریفی برای سرمایه اجتماعی باید مشخصه‌هایی را در آن وارد نمود که از سایر انواع سرمایه متمایز شود. سرمایه اجتماعی از نوع “اجتماعی” است و در باره رابطه افراد در اجتماع به کار می‌رود. از یک دید دیگر سرمایه اجتماعی اقتصادی نیست چرا که بر اساس ملاحظات سود کنش‌گران شکل نمی‌گیرد به زبان اقتصادی دقیق‌تر فواید سرمایه اجتماعی برای کنش‌گران درونی نیست و لذا آن‌ها برون‌داد (Externality) تلقی می‌کنیم.

همانند سایر مفاهیم علوم انسانی سرمایه اجتماعی یک مفهوم انتزاعی (Abstract) و کلان (Aggregate) است. همان‌گونه که مفهوم سرمایه فیزیکی نیز یک مفهوم کلان است و فی‌المثل با این که یک جاده چهار بانده و یک سد تولید برق ممکن است مقدار یکسانی به میزان سرمایه‌گذاری ملی اضافه کنند ولی کاربری جاده با خروجی سد تولید برق کاملاً متفاوت است. به همین منوال وقتی از سرمایه اجتماعی سخن گفته می‌شود منظور مجموعه‌ای از مفاهیم غیرهمگن است که هر کدام کارکرد خاص خود را در نظام اجتماعی دارد و صرفاً برای به دست دادن یک سنجه کمی آن‌ها را با هم جمع می‌کنیم

بحث رابطه سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در دهه 90 به صورت گسرنده‌تری مطرح شده و به نظر می‌رسد گسترش دیدگاه‌های نهادگرا در اقتصاد در این امر موثر بوده است.

3- تعریف سرمایه اجتماعی

بر اساس تعریف کولیه سرمایه اجتماعی عبارت است از انسجام درونی اجتماعی و فرهنگی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر کنش متقابل مردم و نهادهایی که این هنجارها و ارزش‌ها در آن جایگزین می‌شوند.

در یک تعریف دیگر پورترس بیان می‌کند که اجتماع روزافزونی برای پذیرش این نکته وجود دارد که سرمایه اجتماعی به قابلیت کنش‌گران برای حفظ منافع خود از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و یا سایر ساختارهای اجتماعی اشاره می‌کند.

با بررسی ادبیات و مرور تعاریف فوق می‌توان نشان داد که عناصر زیر می‌تواند در تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد:

1- سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی بین افراد دلالت داشته و کنش‌های جمعی افراد جزو جدایی‌ناپذیر آن است.

2- جستجو برای راه‌حل‌های همکارانه و تلاش برای دستیابی به منابع دوطرفه در این مفهوم محوریت اساسی دارد.

3- مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تمایل به همکاری و اعتماد بین افراد در اکثر تعاریف وجود دارد.

4- اقتصاد نهادگرا

اقتصاد نهادگرا معتقد است که نهاد نقش زیادی در نزدیک کردن رفتار اقتصاد به یک اقتصاد رقابتی ایفا می‌کنند و کژکارکردی نهادها می‌تواند عملکرد کلی اقتصاد را کاهش دهد. بحث نهادها خصوصا در اقتصادهای توسعه نیافته که انواع مختلفی از نهادهای اقتصادی و اجتماعی ماقبل مدرن در آن‌ها یافت می‌شود و نظام اقتصادی آن‌ها از مجموعه‌ای از سازمان‌های مدرن که عموماً از بالا شکل گرفته‌اند و روابط اجتماعی سنتی - که لزوماً هم کارکرد موثری برای اقتصادی ندارد - تشکیل می‌شود. در این اقتصادها فقدان نهادهای پشتیبان اقتصادی که کارکردهایی از قبیل حاکمیت قانون، قوانین تجاری، حقوق مالکیت، امنیت، انتشار اطلاعات و توسعه منابع انسانی دارند، یک مانع اصلی برای توسعه اقتصادی به شمار می‌آید.

اقتصاد نهادگرا از یک سو شاخه‌ای از علم اقتصاد است چرا که معتقد است :

1- افراد، خانوارها و بنگاه‌ها تصمیمات عقلانی متناسب با کمیابی‌های موجود در اقتصاد اتخاذ می‌نمایند.

2- از مدل‌هایی مثل رقابت کامل برای بررسی ساختار بازارها (مثلاً بازار کشاورزی) استفاده می‌کند.

3- برای ارزیابی عملکردها از شاخص‌های ارزشی (نرماتیو) مثل اصل بهینه‌سازی پارتو استفاده می‌کند.

تفاوت رویکرد نهادگرا با رویکرد نئو کلاسیک در آن است که اقتصاد نهادگرا علاوه بر محدودیت‌های سنتی موجود در اقتصاد نئو کلاسیک (مطلوبیت مصرف‌کننده، زمین، سرمایه، نیروی کار و فن‌آوری)، محدودیت‌های نهادی را نیز در اقتصاد وارد کرده و از این طریق برخی رفتارهای ظاهراً غیرعقلانی بازیگران اقتصادی را توضیح می‌دهد.

در این مقاله، رویکرد نهادگرا به عنوان یک رویکرد مکمل اقتصاد نئو کلاسیک مورد توجه است و لذا فرضیات و مدل‌های اساسی اقتصاد نئو کلاسیک به عنوان الگوی مرجع مورد توجه قرار می‌گیرد. در واقع وارد کردن نهادها به معنای بی‌اعتنایی به مدل‌های انتزاعی اقتصاد نیست بلکه به منظور تبیین دقیق‌تر تفاوت‌های بین مشاهدات عینی و پیش‌بینی‌های ناشی از مدل‌ها صورت می‌گیرد. البته در اقتصادهای توسعه نیافته ممکن است فقدان نهادها تفاوت‌های جدی را بین مشاهدات و پیش‌بینی‌ها ایجاد نماید و لذا توجه خاص به نقش نهادها یک امر لازم است.

رویکرد نهادگرا بر موارد زیر به عنوان کارکرد نهادها در اقتصاد تاکید می‌کند :

1- کاهش هزینه مبادله

2- کاهش سواری مجانی

3- رفع عدم تقارن اطلاعاتی

4- دفاع از حقوق مالکیت

5- سرمایه اجتماعی و بهبود نهادها (نتایج اقتصادی سرمایه اجتماعی) :

از دید اقتصاددان سرمایه اجتماعی زمانی نتایج اقتصادی به بار می‌رود که منجر به ارتقاء کنش متقابل اجتماعی شود که منجر به تأثیرات جانبی شده و کنش جمعی برای کسب سود متقابل خارج از بازار را تسهیل نماید. اعتماد، رابطه متقابل، شبکه‌های بین فردی، همکاری و هماهنگی را می‌توان سرمایه‌های اجتماعی مدرنی دانست که کنش متقابل عوامل را تنظیم نموده و تأثیرات جانبی به وجود می‌آورد.

به نظر می‌رسد می‌توان در موارد زیر بین کارکردهای سرمایه اجتماعی و بهبود عملکرد اقتصادی رابطه برقرار نمود :

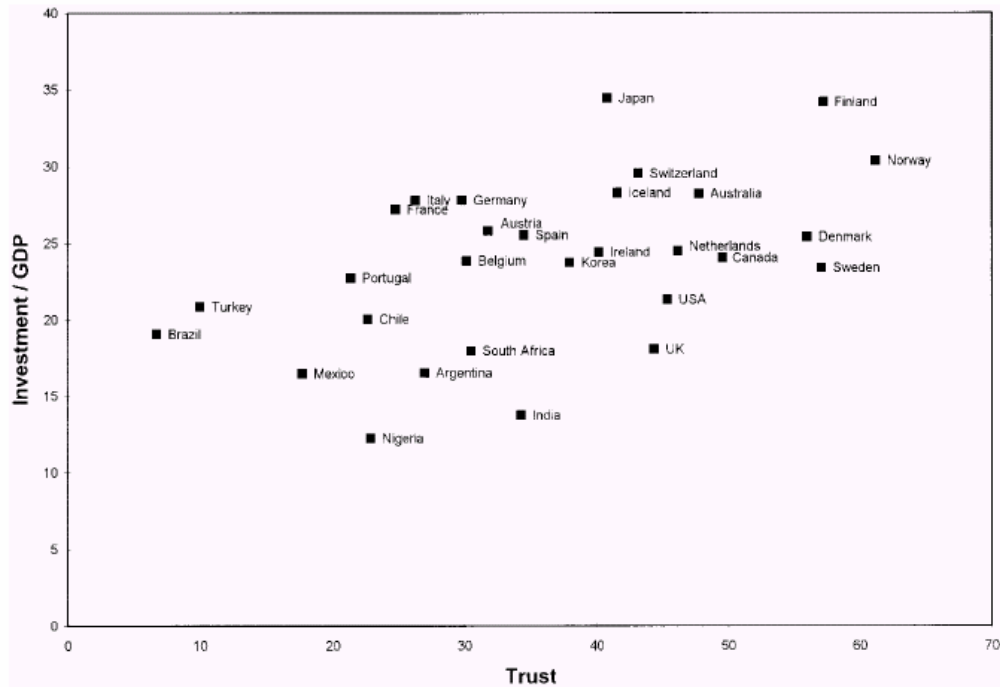
1- هر قدر در یک جامعه اعتماد متقابل بین مردم بیشتر باشد، هزینه مبادله کاهش می‌یابد. افزایش اعتماد به کاهش مقررات و قوانین مورد نیاز برای برقراری قراردادهای در جامعه کمک می‌کند. مساله معروفی به نام معمای زندنی (Prisoner Dilemma) در ادبیات اقتصادی وجود دارد که به نقش عدم اعتماد در پایین آوردن کارآیی اقتصادی توجه می‌دهد. در این مساله نشان داده می‌شود که اگر دو زندانی به یکدیگر اعتماد نداشته باشند، نتیجه نهایی بازی آن‌ها به سمت نقطه‌ای تمایل می‌یابد که به ضرر هر دو آن‌ها است و هر قدر میزان اعتماد افزایش یابد، تمایل به راه‌حل‌های همکاریانه (Cooperative) بیشتر می‌شود. بالا رفتن اعتماد بین مردم یک جامعه شاخصی برای بالا بودن سرمایه اجتماعی در آن جامعه است و کمک می‌کند در فعالیت‌های اقتصادی مشابه رفتار بازی زندانی راه‌حل‌های همکاریانه‌تر که دارای نتایج (Payoff) بیشتری برای هر دو طرف است بیشتر دنبال شود.

2- عضویت در شبکه‌های اجتماعی باعث افزایش قدرت دسترسی افراد به اطلاعات می‌شود. عدم تقارن‌های اطلاعاتی بین بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان باعث دور شدن بازارها از کارآیی نهایی خود می‌شود.

3- تمایل به همکاری متقابل احتمال رفتارهای سودجویانه در قالب سواری مجانی را کاهش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد زمانی که افراد احتمال برخورد بیشتری را با فرد دیگری بدهند، رفتار آن‌ها از سواری مجانی دور می‌شود. به این ترتیب سرمایه اجتماعی انگیزه تولید برون‌داد منفی (Negative Externality) در جوامع را کاهش می‌دهد. موضوع را با یک مثال توضیح می‌دهیم. بنگاهی که در یک منطقه مسکونی آلودگی شیمیایی یا ذرات معلق در هوا تولید کرده و موجب ضرر و زیان سایر بنگاه‌ها (مثلاً رستوران یا خشکشویی) مجاور می‌شود، با هزینه این بنگاه‌ها سواری مجانی انجام می‌دهد. بنگاه‌های دیگر برای کاهش اثرات منفی کارکرد بنگاه اول باید متوسل به قانون شوند. سرمایه اجتماعی در این جا می‌تواند فعال شده و از طریق کاهش دادن تمایل بنگاه اول به تولید آلودگی و یا یافتن راه‌حل‌های مشترک بین افراد برون‌داد منفی برای جامعه را کاهش دهد.

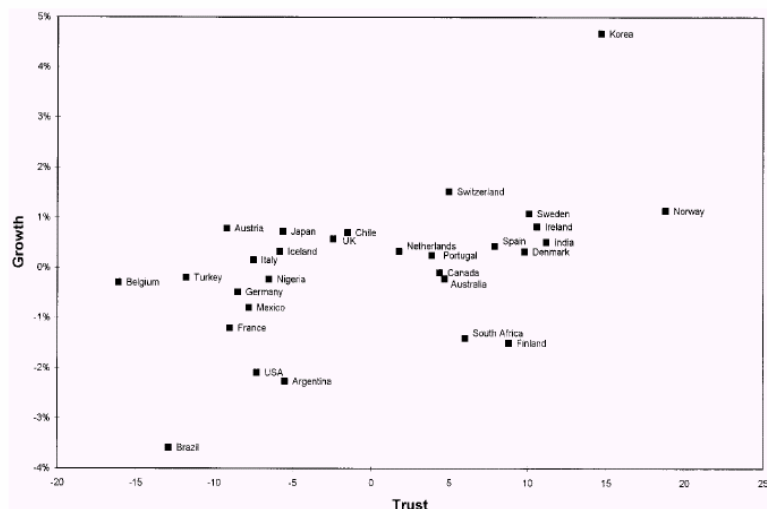
6- تحقیقات کمی :

کفر و ناک (Keffer&Knack,1999) در تحقیقات بین کشوری خود رابطه بین عملکرد اقتصادی و شاخص‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی را بررسی نموده‌اند. این دو بر اساس اطلاعات موجود در مطالعه جهانی ارزش‌ها (World Values Survey)، عملکرد اقتصادی 29 کشور عضو اتحادیه اروپا را



با دو شاخص اعتماد و فعالیت‌های مدنی بررسی نموده‌اند و نتیجه گرفته‌اند که

رابطه معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و بازده اقتصادی جوامع در برخی محورها وجود دارد. در نمودار شماره یک رابطه بین شاخص اعتماد (Trust) و رشد تولید ناخالص ملی در یک دوره مشخص نشان داده شده است. مشاهده می‌شود که رابطه مثبتی بین این دو متغیر دیده می‌شود.



در شکل شماره دو رابطه بین شاخص اعتماد و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی نشان دادن شده است. مشاهده می‌شود که بین این دو شاخص نیز رابطه مثبت وجود دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری :

در این مقاله بر اساس یک رویکرد نهادگرا به اقتصاد ادبیات موجود در زمینه تاثیرات اقتصادی سرمایه اجتماعی مرور شد. ادبیات نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تاثیر در کاهش هزینه مبادله در اقتصاد، کاهش تمایل به سواری مجانی و بهبود ارتباطات و شبکه‌های اطلاعاتی و در نتیجه کاهش عدم تقارن‌های اطلاعاتی به بهبود کارایی اقتصاد کمک کند. در ادامه نمونه‌ای از تحقیقات کمی و بین‌کشوری انجام شده ارائه شده و نشان داده شد که بین شاخص اعتماد (به عنوان نماینده سرمایه اجتماعی) و میزان رشد اقتصادی و نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص ملی رابطه مثبت وجود دارد. با وجود این شواهد در مقاله اشاره شد که منتقدان، نظراتی در مورد معنی‌دار نبودن رابطه سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی جوامع بیان می‌دارند.

منابع :

- استیگلitz و میر، "پیشگامان اقتصاد توسعه"، نشر نی

-

- Keffer&Knack, "DOES SOCIAL CAPITAL HAVE AN ECONOMIC PAYOFF? A CROSS-COUNTRY INVESTIGATION" , Quarterly Journal of Economics , Nov 1997
- Hall and Jones, Social Infrastructures and and economic performance , 1999
- Woolcock, The Place of Social Capital in Understanding Social and Economic Outcomes
- Dasgupta , **Social Capital and Economic Performance: Analytics**